

آن کس که خویشتن را تحقیر می کند، در مقام تحقیرگر به خویشتن احترام می گذارد.

www.mandegardaily.com

سال هشتم شماره ۱۹۵۵ سه شنبه ۱۲ دلو/ بهمن ۱۳۹۵ ۳۳ جلدی اول ۱۳۳۸ ۳۱ جنوری ۲۰۱۷



به منظور رشد تجارت و اقتصاد هموطنان عزیز، عزیزی بانک افتخار دارد تا قروض متوسط خویش را با مبلغ 100000 - 500000 دالر امریکایی، پیشکش نماید. هموطنان عزیز میتوانند از مزایای قرضه مذکور با شرایط سهل مستفید شوند.



f in t 1515 www.azizibank.af

زاخبلوال:

له پاکستان سره د اړیکو ښه کېدو هڅو ته دوام ورکوو



صفحه ۶

نماینده اتحادیه اروپا:

نظام به شدت متمرکز افغانستان عوض شود



صفحه ۶

آگاهان:

کمیته تدارکات ملی، منابع مالی را در چنگ عده‌پی خاص قرار داده است



صفحه ۳

انتخابات بعدی؛ بدتر از انتخابات پیشین

صفحه ۲



مشورت کمیسیون انتخابات با احزاب سیاسی و نهادهای ناظر
کارت‌های گذشته بی اعتبار شده‌اند



صفحه ۳

آشاوراؤن فیسبوک بجامعه افغانستان

صفحه ۴



احمد عمران



سخن ماندگار

نظام ریاستی

و دردانه‌های کم‌خرد

تاریخ دو و نیم سده‌ی کشوری به نام «افغانستان» در هر برگ و صفحه خود، انعکاس دهنده این پیام است که انحصار قدرت و تلاش برای حفظ آن در قوم و قبیله خاص، بزرگ‌ترین عامل تباهی این سرزمین بوده و می‌باشد. اما اگر از این تاریخ ۲۵۰ ساله و جنگ قبایل و برادرکشی‌های درون‌قومی آن بگذریم و صرفاً بر پانزده سال پسین تمرکز کنیم، باز تمامیت‌خواهی و طفره رفتن از حل عادلانه معمای قدرت، اصلی‌ترین عامل سیه‌روزی‌های امروزمان است.

پانزده سال پیش، پس از حمله به برج‌های تجاری نیویارک و مداخله نظامی ایالات متحده در افغانستان، این فرصت فراهم شد که جهان و نخبه‌گان کشور روی نوعیت نظام سیاسی افغانستان بحث و رای‌زنی کنند تا در نتیجه آن، ساختار سیاسی متناسب با موزاییک و بافتار قومی ما به میان آید. اما متأسفانه این بحث و رای‌زنی‌ها، همه با سبوتاژ مشاوران افغانی و تبارگرای کاخ سفید و وتوی حکومت امریکا مواجه شد و نظام ریاستی به‌صورت یک‌جانبه بر شرکت‌کننده‌گان کنفرانس بن تحمیل گشت. در آن زمان، نظام ریاستی برای به‌اصطلاح نخبه‌گان تکنوکرات یک قوم خاص، تداعی‌کننده مجد و عظمت دوره شاهی و متضمن سیادت قوم به‌اصطلاح بزرگ‌تر بر اقوام به‌اصطلاح کوچک‌تر بود و آن‌ها این باور را به انحصار مختلف به هم‌تباران سنت‌گرا و بی‌خبر نیز تزریق کردند؛ به‌نحوی که بحث تغییر این ساختار، کم‌کم حیثیت ناموسی برای بسیاری‌ها یافت و هنوز ما در امتداد این جدال قرار داریم.

به‌تازگی آقای محب، سفیر افغانستان در امریکا، به حیث یکی از سینه‌چاکان ناموس‌پرست نظام ریاستی، در واکنش به اظهارات سفیر اتحادیه اروپا در کشور مبنی بر ناکارآمدی نظام متمرکز در افغانستان، در صفحه رسمی توئیترش نوشته است: "فکر می‌کنم مداخله در امور کشور میزبانست کار درستی نباشد. اگر سخنان‌تان را غلط نقل کرده‌اند، لطفاً بخواهید که اصلاحش کنند."

اما سفیر اتحادیه اروپا در پاسخ به آقای محب در توئیتر رسمی‌اش نگاهشته است: "این سیاست حکومت شما است و من با اقتدار به پشتیبانی از غیرمتمرکزسازی قدرت و نیز تقویت حکومت‌داری محلی ادامه می‌دهم."

آقای میلبن سفیر اتحادیه اروپا در تلویزیون یک گفته بوده است که مردم افغانستان برای تقویت دموکراسی محلی، خواهان شکل‌گیری نظام غیرمتمرکز اند.

اما اکنون جان سخن این است که نظام ریاستی‌بی که در ۱۵ سال گذشته در افغانستان به تجربه گرفته شده است، چه دستاورد کلانی برای ما به بار آورده و چقدر انتظارات مردمی و زمینه تحقق ثبات و آرامش را به میان آورده است؟! ... نظام ریاستی در ۱۵ سال پسین جز این که فساد، قوم‌گرایی، اختلاف طبقاتی و خشونت حاصل از آن‌ها را سیر صعودی بخشیده و کوه کمک‌های جهانی به افغانستان را به هدر داده، چه شهبازی‌یی انجام داده است که کسانی چون آقای محب، دوآتشه از آن هواخواهی می‌کنند و درس دیپلماسی به کشورهایی که مهد دموکراسی‌اند، می‌دهند؟! نظام ریاستی و متمرکز برای افغانستان پساچنگ، بدترین نسخه ممکن بود که تبعات سوء آن را ما هر روز و هر لحظه، در هیأت اخبار و حوادث ناگوار می‌بینیم و می‌چشم.

در چنین نظامی است که انحصار قدرت در یک قوم و حلقه، به همه پروسه‌ها رنگ قومی و تباری بخشیده. در چنین نظامی، سیاست ما قومی، صلح ما قومی، معارف و تحصیلات عالی ما قومی، توسعه و انکشاف ما قومی و خلاصه همه ارکان زندگی جمعی ما قومی و متأثر از علایق و نفرت‌های قومی شده است. نظام ریاستی و متمرکز حتی جغرافیای ذهن و زبان شهروندان را نیز سانسور کرده و غلط‌اندیشی و کزبانی را در سایه علایق تباری ترویج و تحمیل می‌کند. در سایه نظام متمرکز و امکانات بی‌عدالتی موجود در آن بوده که برخی‌ها به‌ناحق بالا رفته‌اند و بر پست‌های عالی تکیه زده‌اند و برخی دیگر به‌ناحق متوقف مانده‌اند و پشت دروازه مقامات نالایق و قوم‌اندیش، سرگردان. اصلاً در سایه‌سار چنین نظامی ست که دردانه‌های خام‌سن و سبک‌دانشی چون آقای محب سفیر افغانستان در ایالات متحده گماشته می‌شوند و هم‌سن‌وسالان وی با اسناد تحصیلی دست‌داشته اجیر نیز مقرر نمی‌گردند.

این‌ها همه دلایل و شواهد وافی و کافی به صحت اظهارات سفیر اتحادیه اروپا در افغانستان و بطلان واکنش احساسی آقای محب است. نیاز به تغییر نظام سیاسی در افغانستان، صدای‌ست که در داخل کشور همه‌گیر شده و وقوع آن نیز - دیر یا زود - ناگزیر است؛ اما کسانی هستند که مذبوحانه نمی‌خواهند این صدا را بشنوند و به آن لبیک گویند!

انتخابات بعدی!

بدتر از انتخابات پیشین

است که حتا رییس فعلی کمیسیون انتخابات نیز شخص مطمین و قابل اعتمادی نیست. در همین حال، نهادهای ناظر بر انتخابات افغانستان نیز نگرانی‌های مشابه ابراز کرده اند. به باور این نهادها، کمیسیون‌های انتخاباتی هیچ اراده‌ی از خود برای برگزاری انتخابات آینده نشان نداده اند. همین حالا، این کمیسیون از نبود رییس دارالانشا رنج می‌برد و فهرست سه نفری‌شان از سوی جناح‌های قدرت در کشور رد شده است. احتمال دارد که فهرست، بیشتر با واکنش منفی ریاست اجرایی روبه‌رو شده باشد؛ زیرا با توجه به وابسته‌گی‌هایی که اعضای جدید کمیسیون‌های انتخابات به نهاد ریاست جمهوری دارند، مشکل است که باور کرد که رییس جمهوری نیز با این فهرست مخالف بوده است.

احتمال بیشتر این است که این افراد به وسیله شخص رییس جمهوری گزینش شده باشند، ولی رییس اجرایی با آن‌ها مخالفت کرده باشد. از نوع برخورد سخنگوی رییس اجراییه با این مسأله، چنین چیزی به وضاحت قابل دریافت بود و این نشان می‌دهد که نهاد ریاست جمهوری هنوز هم به دنبال جابه‌جایی‌های بیشتر در کمیسیون‌های انتخاباتی و پُر کردن پست‌های کلیدی این نهاد به وسیله افراد "خودی" است. البته این گونه اقدام‌ها و دست‌اندازی‌ها در کل روند انتخابات در کشور را آسیب می‌زند و بدون شک انتخابات بعدی (اگر چنین انتخاباتی در کشور برگزار شود) خیلی بدتر و فاجعه‌بارتر از انتخابات گذشته خواهد بود در حدی که مردم حتا خاطره تلخ انتخابات گذشته را فراموش خواهند کرد.

در یک سخن این‌که در موجودیت افراد فعلی کمیسیون‌های انتخاباتی نیز یک انتخابات عادلانه در کشور متصور نیست و بهتر آن است که رای‌دهنده‌گان در کشور با پیروی از رمان معروف "بینایی" ژوزه ساراماگو، به انتخابات آینده مخالفت مثبت نشان دهند. به این معنی و بر اساس رمان بینایی، به پای صندوق‌های رای حاضر شوند ولی به هیچ کسی رای ندهند تا به این صورت، دولت نتیجه دست‌کاری‌های خود را در عمل شاهد باشد.

آقای غنی میزان تعهد و وفاداری خود به قانون و عدالت در جامعه را به‌شدت خدشه‌دار کرد و فکر نمی‌شود که به زودی بتواند آن را اعاده کند.

در کشوری که فرهنگ معافیت تا این حد بالا باشد که خاطیان به مقربان دربار تبدیل شوند، مشخص است که فاتحه دموکراسی و آزادی‌های شهروندی خوانده است. از جانب دیگر، وقتی اعضای جدید کمیسیون‌های انتخاباتی به کار آغاز کردند، این امیدواری به وجود آمد که این بار حداقل کسانی به این سمت‌ها راه یافته اند که علایق و تمایلات جناحی و فردی خود را کنار گذاشته و از روی ایمان و تعهد به وظایف خود عمل خواهند کرد. ولی حالا پس از چند ماه از گزینش این افراد، آهسته آهسته مشخص می‌شود که این افراد نیز از وابسته‌گی‌های جناحی و فردی به نهادی مشخص رنج می‌برند. به این صورت چه نظارتی می‌توان از چنین کمیسیون‌هایی داشت؟ آیا می‌توان منتظر برگزاری یک انتخابات سالم و شفاف در آینده نسبت به انتخابات‌های گذشته بود؟

آن‌چه که از اقدام‌ها و اجراءات اعضای جدید کمیسیون‌های انتخاباتی برمی‌آید، این آرزو نیز خیال باطلی بیش نمی‌نماید. اعضای جدید کمیسیون‌های انتخاباتی از آن‌جایی که از سوی جناح‌های قدرت گزینش شده اند، نمی‌توان نسبت به تعهد آن‌ها نسبت به انتخابات به عنوان یک روند ملی مطمین بود. وقتی افراد رده‌بالای کمیسیون‌های انتخاباتی نسبت به قانون و فرایند ملی انتخابات تعهد کافی و لازم را نداشته باشند، مشخص است که نتیجه انتخابات آینده بدتر و اسفناک‌تر از انتخابات گذشته خواهد بود. این مسأله از چشم بسیاری از ناظران انتخابات در کشور به دور نمانده و آن‌ها هشدار داده اند که اعضای کمیسیون‌های فعلی به صورت مغرضانه عمل می‌کنند.

فضل‌احمد معنوی رییس پیشین کمیسیون انتخابات افغانستان که به عنوان یکی از موفق‌ترین روسای این کمیسیون از بدو ایجاد آن شناخته می‌شود که توانست انتخابات سال ۲۰۱۰ میلادی پارلمانی را به خوبی مدیریت کند، در تازه‌ترین واکنش خود نسبت به کمیسیون‌های انتخاباتی گفته

آن‌چه که در عرصه انتخابات انجام شده، اگر نگوئیم بد بوده، ولی زیاد خوب و رضایت‌بخش نیز نبوده است. دولت افغانستان در یک روند به‌ظاهر دموکراتیک و از طریق کمیته گزینش، اعضای پیشین کمیسیون‌های انتخاباتی را برکنار و افراد جدیدی را به جای آن‌ها گماشت. اعضای سابق کمیسیون انتخابات، در یک تصمیم غیرمترقبه رییس جمهوری به عنوان مشاوران او تقرر یافتند؛ اقدامی که به‌شدت باعث بدگمانی و ایجاد سوءظن‌هایی در سطح جامعه شد.

کار اعضای پیشین کمیسیون‌های انتخاباتی به دلیل تقلب‌های گسترده در انتخابات ریاست جمهوری گذشته، با انتقادهای زیادی مواجه بود و بسیاری از نهادهای مرتبط با انتخابات، خواهان آن بودند که اعضای پیشین کمیسیون‌های انتخاباتی در یک دادگاه بی‌طرف و عادلانه محاکمه شوند، تا حداقل مشکلات انتخابات گذشته مشخص شده و از اتفاق‌های بعدی جلوگیری شود. اما از آن‌جایی که ریاست جمهوری خواهان چنین برخوردی با اعضای پیشین کمیسیون‌های انتخاباتی نبود و به دلایلی خود را مدیون اقدام‌های غیرقانونی آن‌ها می‌دانست، همه را به صورت جمعی وارد ارگ کرد و به عنوان مشاوران خود برگزید. این اقدام ریاست جمهوری، گمانه‌زنی‌ها نسبت به عدم بی‌طرفی اعضای سابق کمیسیون‌های انتخاباتی را به یقین مبدل کرد و نشان داد که آن‌ها چندان بی‌طرف نیز در برگزاری انتخابات نبوده اند.

گزینش اعضای سابق کمیسیون‌های انتخاباتی به عنوان مشاوران رییس جمهوری، فرهنگ مکافات و مجازات را در کشور به‌شدت آسیب وارد کرد و نشان داد که در این کشور فقط کسانی محاکمه می‌شوند که به نفع قدرت‌های بزرگ کاری انجام نمی‌دهند. آیا با این اقدام، می‌توان به نهاد ریاست جمهوری اعتماد کرد و اقدام‌های آن را عادلانه و مبتنی بر قانون دانست؟

بدون تردید اقدام رییس جمهوری یکی از بدترین اقدام‌هایی بوده که در دو سال گذشته انجام شده است. البته آقای رییس جمهوری اقدام‌های بد کمی نداشته، ولی این از بدترین‌شان می‌تواند محسوب شود.

آگاهان:

کمیته تدارکات ملی، منابع مالی را در چنگ عده‌ی خاص قرار داده است



تاجیه نوری

می‌کند، ابراز می‌شود. رییس جمهور کشور در جلسه کمیسیون تدارکات ملی که با حضور بازرس ویژه امریکا برای بازسازی افغانستان برگزار شد تاکید کرد که پس از این پروژه‌های بزرگ ملی به دست فاسدین نخواهد افتاد. رییس جمهور در نشست این هفته کمیسیون تدارکات ملی که شام روز شنبه (۹ دلو/ بهمن) در ارگ برگزار شده اظهار داشت که اعمار بندها بدون شک از اولویت عمده و نیازمندی‌های میرم مردم افغانستان می‌باشد. اما سیف‌الدین سیحون استاد دانشکده اقتصاد دانشگاه کابل می‌گوید: ریاست‌جمهوری فسادسنج که ندارد تا بداند که در کدام پروژه فساد صورت گرفته و از سوی هم در تدارکات فساد ایجاد نمی‌شود، بل پس از تدارکات فساد صورت می‌گیرد، بنابراین تمرکزگرایی خود عامل فساد است. به گفته استاد سیحون: انتخابات افغانستان و تمامی برنامه‌های ملی که شکل می‌گیرد، با منابع مالی در پیوند است؛ بنابراین سیاست‌گران می‌خواهند با چنگ زدن به نهادها واقعی مالی، قدرت آینده را در دست داشته باشند.

وی همچنین گفت: تمامی پروژه‌های بزرگی بین‌المللی را وابسته‌گان سیاست‌گران به دست می‌آورند، بنابراین ایجاد کمیته تدارکات و تمرکز منابع پولی برای دست یافتن به قدرت آینده است تا از این طریق سیاست را در اختیار خود داشته باشند.

او، ایجاد کمیته تدارکات را فسادآور خوانده افزود: دستگاه‌های قرارداد می‌گیرند که فسادپیشه اند و کمیته هم راه برای فساد همواره می‌کند؛ بنابراین در افغانستان کسانی که در قدرت اند و بازی قدرت را در دست دارند، گیرنده پروژه‌های مختلف اند.

وی می‌گوید: کسانی در قراردادهای وارد می‌شوند که امکانات مالی یا روابط دارند، فرد عادی که نمی‌تواند با رییس‌جمهور در مورد گرفتن پروژه صحبت کند، بنابراین اخذ قراردادهای از قراردادهای امنیتی گرفته تا قراردادهای بزرگ، تمامی توسط کسانی انجام شده که وابسته‌گان گروه‌های قدرتمند و آفزاده‌گان اند.

به باور این استاد دانشگاه: زمانیکه مسایل بسیار کوچک مانند تدارکات ملی در ارگ جلسه دایر می‌کند، آیا رییس‌جمهور آنقدر زمان دارد که روی جزئیات یک پروژه تمرکز کرد و کار کند؟

او تاکید کرد: متمرکز شدن کمیته تدارکات ملی در ارگ ریاست‌جمهوری نشان‌دهنده، تمرکزگرایی و کوچک اندیشی، ارگ نشینان است و از جانی هم متمرکز شدن فساد در یک نقطه می‌باشد.

باین حال، عارف‌رحمانی عضو مجلس نماینده‌گان می‌گوید: تلاش‌های وجود دارد که برخی از افراد فاسد قراردادهای را در اختیار داشته و قرارداد را با گران‌ترین قیمت به نفع خود به فروش رسانند و این موارد اتفاق افتاده است.

به گفته رحمانی: تشکیل کمیته تدارکات ملی و نظارت ناپذیری و ایجاد یک باند جدید برای توزیع قراردادهای متاسفانه خودش به نحوه منجر به فساد در یک حلقه معین و مشخص شده.

او می‌گوید: در حال حاضر فساد عمیق‌تر و در چنگال یک باند خاص قرار گرفته و از طریق آنان به افراد خاص داده می‌شود که رابطه با کمیته ملی تدارکات و یا هم با ارگ ریاست‌جمهوری دارند.

او تاکید کرد: برخی از پرونده‌ها را که ما دیدیم در کمیته تدارکات ملی طی مراحل شده است، فسادها این قراردادهای به طور واضح و آشکار دیده می‌شود.

رحمانی افزود: طور مثال قراردادی ساخت سرک در حدود ۱۰۸ کیلومتر در ولایت بدخشان، به شرکت داده شده که در اجرا صحیحی چندین پروژه ناتوان بوده است و هفت سال می‌شود که در لیست سیاه سفارت امریکا قرار دارد.

این عضو مجلس همچنان گفت: چنین شرکتی توانایی گرفتن پروژه‌ی عظیمی این چنینی را ندارد؛ اما شرکت‌های که راه رسیدن به رییس‌جمهور را ندارند و یا هم وزیران را نمی‌شناختند؛ نتوانستند پروژه بگیرند. اما مسوولان در اداره مبارزه با فساد اداری، ادعاها مبنی بر اینکه کمیته تدارکات ملی برای دادن پروژه‌ها پول‌های گزافی می‌گیرند را تایید نمی‌کنند.

به گفته این مسوولان باید برای ادعا چنین سخنانی باید اسناد و شواهد موجود باشد و در صورتی که ادعا وجود دارد باید مبتنی بر اسناد باشد تا از طریق مراکز عدلی و قضایی مورد پیگرد قرار گیرد.

عبدالقهار فرح سیر سخنگوی اداره مبارزه با فساد اداری به این باور است که جلسات هفته‌وار کمیته تدارکات ملی در ارگ سبب کاهش فساد در کشور شده است.

سخنگوی اداره مبارزه با فساد اداری به روزنامه ماندگار می‌گوید: شفافیت تا اندازه خوبی در تدارکات دیده می‌شود و این نشان می‌دهد که شفافیت خوبی در تدارکات پولی دیده می‌شود و این برای ما امیدوار کننده است.

او تاکید می‌کند: اما هنوز هم مشکلات وجود دارد و نفوذ بعضی‌ها در ادارات دولتی سبب شده تا بتوانند قراردادهای را به دست بیاورند؛ اما اراده‌ی که در رهبری حکومت می‌بینم، امیدواریم که شفاف‌سازی در پروسه تدارکات صورت بگیرد.

مشورت کمیسیون انتخابات با احزاب سیاسی و نهادهای ناظر

کارت‌های گذشته بی‌اعتبار شده‌اند



مراحل مختلف توزیع شده است. ما انواع متعدد کارت‌ها را داریم. ممکن است کارت‌های بیشتری نزد یک فرد وجود داشته باشند و این کارت‌ها مقداری بی‌اعتبار شده‌اند.»

کمیسیون مستقل انتخابات در بین دو راهی قرار دارد. در صورتی که کارت‌های قبلی را اعتبار دهد، برگزاری انتخابات شفاف ناممکن است؛ اما اگر کارت جدید توزیع کند، پول بسیار زیادی نیاز است و توزیع آن برای همه مردم افغانستان نیز کار دشواری است.

نهادهای ناظر انتخاباتی تاکید می‌کنند که کارت‌های قبلی، به دلیل تقلب‌های گسترده اعتبار خود را از دست داده و کمیسیون باید برای توزیع کارت‌های جدید اقدام کند. نعیم ایوب زاده، رئیس بنیاد انتخابات شفاف افغانستان می‌گوید: «بیشتر از ۲۳ میلیون کارت موجود است، در مقایسه با واجدین شرایط که ۱۲ میلیون اند. این یک چالش است. استفاده از کارت‌های قبلی یک چالش بسیار بزرگ است.»

بهترین راه‌حل جلوگیری از تقلب در انتخابات، توزیع تذکره‌های الکترونیکی دانسته می‌شود؛ اما سرنوشت این تذکره‌ها به دلیل اختلافات سیاسی همچنان نامعلوم است.

حوزه‌های انتخاباتی

براساس قانون جدید انتخابات، کمیسیون انتخابات باید حوزه‌های انتخاباتی را تعیین کند. در انتخابات‌های قبلی پارلمانی، هر ولایت یک

حوزه انتخاباتی بود. اما یکی از پیشنهادها کنونی، کوچک کردن حوزه‌های انتخاباتی است. یکی از بحث‌ها تعیین حوزه انتخاباتی «تک کرسی» است. براساس این طرح، چندین نامزد، برسر به دست آوردن یک کرسی پارلمان در یک حوزه انتخاباتی مشخص و کوچک باهم رقابت می‌کنند.

اما هنوز معلوم نیست که حوزه انتخاباتی تک کرسی می‌شود یا یک ولایت به عنوان یک حوزه انتخاباتی باقی می‌ماند. کمیسیون کمیسیون انتخابات گفت انتخاب یک ولایت به عنوان یک حوزه انتخاباتی مزیت‌های خود را دارد: «احتمال دستبرد در سرحدات ولایات وجود ندارد و هیچ زورمندی نمی‌تواند سرحدات ولایات را تغییر دهد.»

در صورتی که حوزه‌های رای دهی کوچک شود، رای دهی نیز مشکل‌تر می‌شود، چون امنیت در شماری از مناطق وجود ندارد و زورمندان می‌توانند حوزه‌بندی انتخاباتی را به نفع خود تغییر دهند. مرزبندی‌های حوزه‌های کوچک انتخاباتی جنجال دیگری است که با توجه به وضعیت کنونی افغانستان، بسیار دشوار و وقت‌گیر خواهد بود.

در صورت کوچک شدن حوزه‌های انتخاباتی، تنها کوچی‌ها و اهل هنود می‌توانند در سراسر افغانستان برای نامزدان شان رای دهند. در حال حاضر سه طرح وجود دارد. حوزه‌های تک کرسی، حوزه‌های کوچک‌تر و یک ولایت به عنوان یک حوزه انتخاباتی.

قرار است پس از بحث و تبادل نظر با نهادهای مدنی و احزاب سیاسی، تصمیم کمیسیون انتخابات برای نحوه برگزاری انتخابات پارلمانی مشخص شود. این در حالیکه هنوز زمان برگزاری انتخابات مشخص نشده است.

کمیسیون انتخابات افغانستان بحث‌ها بر سر نحوه برگزاری انتخابات پارلمانی و شوراهای ولسوالی را آغاز کرده است. کمیشنران جدید کمیسیون انتخابات تلاش دارند تا اعتماد از دست رفته در انتخابات قبلی را دوباره به دست آورند.

جدی‌ترین بحث‌ها در مورد برگزاری انتخابات پارلمانی، کارت‌های رای دهی، حوزه‌های انتخاباتی و تهیه لیست رای دهنده‌گان است. کمیسیون انتخابات روز دوشنبه نشستی را با اشتراک نماینده‌گان نهادهای مدنی و احزاب

سیاسی در کابل برگزار کرد، تا نظر آن‌ها را نسبت به نحوه برگزاری انتخابات به دست آورد. کارت رای دهی

کارت رای دهی یکی از مشکلات اساسی کمیسیون انتخابات برای برگزار انتخابات پارلمانی است. برای ۱۲ میلیون واجد شرایط رای دهی، ۲۱ میلیون کارت در انتخابات‌های قبلی توزیع شده است و استفاده از کارت‌های اضافی می‌تواند شفافیت انتخابات را زیر سوال ببرد.

معاذالله دولتی، کمیشنر کمیسیون مستقل انتخابات در این مورد گفت: «تعداد ۲۱ میلیون کارت در

یادداشت: این روزها فیسبوک اثرگذارترین پدیده در جهات مثبت و منفی در حیات اجتماعی مردم افغانستان به شمار می‌آید؛ گویی که دیگر بدون آن نمی‌توان زیست و در کنار آن نیز نمی‌توان آرام گرفت. این وابسته‌گی شدید، اثرات نامطلوب خود را در عرصه‌های مختلف از جمله آموزش، سیاست، خانواده و سلامت جمعی مردم به نمایش گذاشته و این نگرانی را به میان آورده که اگر نتوانیم استفاده از این پدیده دنیای مدرن را نظام‌مند بسازیم، فیسبوک و لجام‌گسیخته‌گی‌های مرتبط با آن، به تدریج شیرازه همه داشته‌های مادی و معنوی‌مان را می‌پاشند و درد و حسرت به‌جا می‌گذارد. روی این ملحوظ، روزنامه ماندگار همت به خرچ داده و پیرامون این موضوع داغ، گفت‌وگویی را در یک میز مدور با آقایان نجیب‌الله منلی، پریالی فطرت و حامد علمی، تدویر نموده که محتوای آن به شرح زیر تقدیم‌تان می‌گردد.



جناب استاد منلی، گاهی اوقات در شبکه‌های اجتماعی شاهد بیرون شدن اسناد و مدارکی مبنی بر فساد در اداره‌های حکومتی هستیم. شما به عنوان کسی که در حکومت افغانستان وظیفه اجرا می‌کنید، در این مورد باورتان چیست؟ آیا فیسبوک در امر مبارزه با پروکراسی منفی و فساد نقش بارزی داشته است؟

من در این بحث از حکومت نماینده‌گی نمی‌کنم. فیسبوک وسیله‌ی ست که می‌تواند معلومات را بدون افشای هویت منتشرکننده، نشر کند. وقتی روی پدیده‌های اجتماعی بحث می‌کنم، تجویزی به آن نمی‌پردازم؛ اما زمانی که روی سیاست‌ها فکر می‌کنم، شاید تجویزی به آن پردازم. این که چه باید کرد و چه نباید کرد، سوال دومی است، نخست باید بدانیم که «پدیده چیست؟»

ویژه‌گی فیسبوک همین است که شخص با آزادی کامل و بدون کدام محدودیت، می‌تواند مواد در دسترس خود را با دیگران شریک بسازد. این کار جنبه‌های مثبت و منفی دارد. بیرون کردن اسناد حکومتی‌بی که ویکی‌لیکس یکی از بزرگ‌ترین نمادهای آن است و میلیون‌ها اسناد حکومتی را بیرون داده، در واقع نظر و بینش جوامع جهانی در مورد اسرار جهانی را تغییر داد. یقیناً هر حکومتی برای حفظ قدرت، تمایل دارد بعضی اسناد از دید مردم پنهان باشد. اما مسلماً هر وسیله‌ی برای رسیدن به قدرت و حفظ آن مشروع نیست، پس وقتی اسنادی در این زمینه به فیسبوک درز می‌کند، می‌تواند نقش و اثر مثبت داشته باشد. در عین زمان، اگر اسنادی نشر می‌شود که منافع ملی را به مخاطره می‌اندازد، می‌تواند نه تنها برای حکومت، بلکه برای خود مردم هم خطرناک واقع شود.

ما جنبه سیاسی فیسبوک را به بررسی گرفتیم، ولی در جنبه دیگر، فیسبوک بستر اظهارنظر شخصی هم است. استاد علمی از استفاده فیسبوک در عرصه تجارت صحبت کردند؛ اما پیش از این که فیسبوک در عرصه تجارت نقش داشته باشد، در رشد و گسترش فحشا نقش بسیار گسترده‌ی داشته؛ زیرا اشخاص بدون شناخت قبلی از همدیگر، می‌توانند از این طریق ارتباط برقرار کنند، عکس مبادله کنند و... جامعه بسته ما دارای سرپوش بسیار سنگین است، جوانان نمی‌توانند از مسایل درونی خود آشکار صحبت کنند، اما وقتی به دنیای فیسبوک وارد می‌شوند، آن‌جا حرف‌های نگفته، سری و حنا شخصی‌شان را بیان می‌کنند. این وضعیت باعث شده که معلومات شخصی در اختیار دیگران و مورد استفاده سوء قرار بگیرد. امروز یکی از بزرگ‌ترین چالش‌های جامعه فیسبوکی افغانستان، آزار و اذیت بانوان است. باور من این است که ما با قانون‌مند ساختن فیسبوک نیز نمی‌توانیم با این پدیده مبارزه کنیم. مبارزه با چالش‌های فیسبوکی، تنها با خود فیسبوک ممکن است. اگر اظهارات و

آثار و عوارض فیسبوک در جامعه افغانستان

نوشته‌های

مُضر و رفتارهای

تخریب‌کننده فیسبوکی

برای سلامت جامعه وجود دارد،

باید با نوشته‌ها و اظهارنظرهای سازنده

فیسبوکی آن را مهار کرد.

مسلمان در هر پدیده تازه‌یی، با مشکل تخنیکی مواجه می‌شویم و فیسبوک از این قاعده مستثنا نیست. افزون بر آن، این مشکل و قاعده هم وجود دارد که تخریب آسان‌تر از تعمیر است. افکار تخریبی به آسانی رشد و گسترش می‌یابد، اما رشد افکار و اندیشه‌های سازنده و ترمیم‌کننده، زمان‌گیر است. مبارزه در برابر مشکلات و چالش‌های فیسبوک، تنها با استفاده منطقی و عقلانی از این وسیله ممکن است. باید به یاد داشته باشیم که حل مشکلات، زمان‌گیر می‌باشد و باید صبر و حوصله فراوان داشت. باید پدیده فیسبوک به دانشگاه‌های ما راه پیدا کند و دانشمندان و صاحب‌نظران در زمینه آن مطالعات علمی انجام دهند تا به عمق این پدیده برسیم و از آن استفاده عقلانی کنیم؛ کاری که در جامعه افغانستان تا هنوز صورت نگرفته و نیاز شدیدی به آن موجود و محسوس است.

استاد علمی، بسیاری از کابران در فیسبوک با نام‌های مستعار فعالیت می‌کنند. این نام‌های مستعار چه مشکلاتی را می‌توانند در پی داشته باشند؟

تا جایی که من متوجه شده‌ام، فیسبوک در افغانستان روندی پویا و رو به شد است. زمانی که فضای کشور امنیتی می‌شود، فیسبوک نیز امنیتی می‌شود؛ همین‌گونه زمانی که فضا سیاسی می‌شود، فیسبوک هم سیاسی می‌شود. دو مسأله وجود دارد. یک، باید به کسانی حق بدهیم که از فیسبوک با نام‌های مستعار استفاده کنند. چنان‌که آقای منلی گفتند، جامعه ما بسته است. کسانی که به دلیل جایگاه خانواده‌گی و یا شخصیتی‌شان نمی‌توانند در مواردی ابراز نظر کنند، نام‌های مستعار در پیچه‌یی اند برای رهایی از این تنگنا و گفتن نکته‌های این افراد. در گذشته‌ها نیز ما شاهد شاعران و سیاست‌مداران فراوانی بوده‌ایم که با نام‌های مستعار شعر گفته‌اند و یا مقاله و کتابی تألیف کرده‌اند. به گونه مثال، وزیر کار غیرقانونی انجام می‌دهد، سکرتر و یا یکی از نزدیکانش این خیانت را دیده نمی‌تواند و با نام مستعار آن را با مردم شریک می‌سازد. به باور من، این

گرداننده: جمشید یما امیری
ترتیب کننده: روح‌الله بهزاد

بخش چهارم

سهولتی
استثنایی و
کاری پسندیده است.

اما در عین حال، مشکل

نام‌های مستعار این است که از این

دریچه می‌توان به افراد و اشخاص اتهام‌های

واهی وارد کرد، شایعه پخش کرد و اذعان مردم

و امنیت روانی آن‌ها را مغشوش و مخدوش

کرد. به همین دلیل است که من طرفدار

قانون‌مندسازی استفاده از فیسبوک هستم.

استاد فطرت همه‌گی اذعان داریم که فرهنگ استفاده عقلانی از فیسبوک به گونه لازم در جامعه ما جا نیفتاده است. دلیل این نقیصه چیست و برای رفع آن چه کارهایی باید صورت گیرد؟

فیسبوک، دستاورد مدرنیته علمی و تکنولوژیک غرب است و ریشه بسیار مستقیم در تفکر و فلسفه و فرهنگ غرب دارد؛ از این بابت تکنولوژی یکی از برخاسته‌های دوره توسعه و پخته‌گی اروپاست و از جوامع توسعه‌یافته برخاسته است و در همین جوامع، استفاده عقلانی از این وسیله نهادینه شده است. افراد این جوامع می‌دانند که مرز آزادی‌شان در استفاده از فیسبوک تا چه اندازه است. آن‌ها خیر عمومی را در نظر می‌گیرند، منافع عمومی، امنیت عمومی، تنوع و تکثر هویت‌های مختلف را در نظر می‌گیرند و با حفظ و حرمت‌گذاشتن به همه این موارد به شمول قانون اساسی‌شان، در ارایه مطالب و پیام دادن و پیام گرفتن کاملاً آزاد هستند. تعبیری که آریزیا برلین دارد و می‌گوید: "دو سنخ آزادی داریم؛ یکی آزادی منفی و یکی آزادی مثبت". ما باید در استفاده از فیسبوک، هر دو آزادی را مطالعه کنیم. باید بدانیم که مرز استفاده از فیسبوک تا کجاست. تا جایی که استفاده ما از فیسبوک به منافع عمومی، احساسات عمومی، خیر عمومی، آرامش عمومی، قانون اساسی و ارزش‌های بومی جامعه صدمه وارد نکند، ما کاملاً آزاد هستیم. نکته اصلی این است که فرهنگ استفاده از فیسبوک در جامعه افغانستان، با توجه به وضعیت

متفاوتی

که دارد،

تفاوت می‌کند.

جامعه ما توسعه‌یافته نیست،

به ویژه هنوز در مسیر واقعی توسعه

فرهنگی نرفته‌ایم؛ به همین لحاظ، ما شاهد

یک نوع تراژیدی فرهنگی در برخورد با وسایل

و ابزارهای تکنیکی در افغانستان هستیم. ما این

ابزارها را در دسترس داریم، اما پخته‌گی و دانش

لازمی که نحوه استفاده ما از این شبکه‌ها را

تعیین و انتخاب کند، نداریم. یادمان باشد اگر

این دانش و پخته‌گی به وجود نیاید، تکنولوژی

برای ما به‌جای این‌که عامل توسعه شود،

انبوهی از مشکلات را برای ما به وجود خواهد

آورد که برای حل این چالش‌ها و بحران‌های

مختلف، بازهم باید وقت گذاشت، هزینه کرد

و انرژی انسانی به‌کار برد!

به باور من، اگر ما دو کار مهم را در فیسبوک

انجام بدهیم، می‌تواند مهم و موثر باشد. یک،

باید در کنار فیسبوک، اندیشه و فکری که این

تکنولوژی را به وجود آورده، به مردم معرفی

کنیم. این‌گونه نباید باشد که تکنیک را بگیریم

اما فکری که این تکنیک را به وجود آورده،

کنار بگذاریم. اگر رویکردمان را اصلاح نکنیم،

هزار سال بعد هم این تکنیک و هر تکنیک

دیگری که در غرب آثار مثبت به‌جا گذاشته

و می‌گذارد، در جامعه ما نمی‌تواند مفید واقع

شود و حتی زاینده بحران‌های تازه خواهد شد.

کار دومی که باید در فیسبوک انجام بدهیم، این

است که شیوه‌ها و روش‌های استفاده معقول و

هماهنگ با منافع عمومی افغانستان از فیسبوک

را تشخیص و منتشر کنیم. این‌گونه می‌تواند

راه‌حلی برای غنی‌سازی فرهنگ استفاده از

فیسبوک در کشور باشند.



عبدالبشیر فکرت بخشى، استاد دانشگاه کابل
بخش سوم و پایانی

نکته قابل اهمیت دیگر در اندیشه این رشد است که کلیات نسبت روشنی با قوه حواس و متخیله دارد و اساساً کلیات مبتنی بر جزئیات است و معقولات از طریق حس و تخیل به دست می‌آیند. او میان حس و عقل، یک وجه افتراق می‌بیند و آن این‌که، موضوع حس در خارج از نفس است، در حالی که موضوع عقل پس از تجرید از محسوس، در نفس آدمی قرار می‌گیرد. این رشد همچون اسلاف خودش از عقل فعال و منفعل، و نیز چگونگی تأثیر عقل فعال بر عقل منفعل و نتایجی که از آن بین عقول حاصل می‌شود و اعتباراتی که بدان تعلق دارد، سخن گفته است

این رشد معتقد است که ادراک شناخت‌های حواس توسط همین حس مشترک صورت می‌گیرد، ورنه لازم می‌آید که محسوسات خود نفس احساسات باشند. مثلاً موضوع حس باصره رنگ است، اما موضوع حس مشترک خود رنگ است و اگر این فعل ناشی از قوه باصره باشد، لازمه‌اش این است که رنگ خود ادراک رنگ باشد و این محال خواهد بود. البته توجه به حس مشترک از اندیشه ابن سینا نیز به دور نمانده است.

این رشد از نفس متخیله نیز سخن زده است، همان قوه‌ی که پس از غیبت محسوسات نیز درباره آن‌ها حکم می‌کند، و از آن به تصورات خیالی نیز یاد شده است. تخیل از نظر وی، کارکرد دیگری نیز دارد و آن ترکیب اجزای تصویری است که توسط حواس به دست آمده است. کما این‌که، به واسطه تخیل می‌تواند دو تصور به دست آمده از حس را با هم درآمیخت و ترکیب جدیدی ساخت مانند اسب بالدار، یا شیری با سر آدمی که از ترکیب تصورات حسی‌یی چون؛ اسب و بال، و نیز شیر و سر آدمی ساخته شده است.

با این توجه، نفس متخیله دو کارکرد مهم دارد: یکی این‌که، صورت محسوسات را بعد از غیبت و قطع رابطه اندام‌های حسی با آن‌ها نیز دوباره حاضر می‌سازد، و دیگری این‌که، از تصورات جزئی حسی ترکیباتی می‌سازد که صورت کلی در خارج وجود ندارد، اما اجزای آن کلی دارای وجود خارجی است.

قوه ناطقه (نفس)

این رشد از تأمل در انواع ادراکات، به برهانی دایر بر وجود قوه ناطقه می‌رسد. او ادراک را به دو نوع شخصی و کلی تقسیم می‌کند. ادراک کلی از نظر او، همان ادراک معنای عام و مجرد از هیولاست، در حالی که ادراک شخصی چیزی جز ادراک معنا در هیولی نیست. چنان‌که گفته آمدیم، ادراکات شخصی به واسطه حواس به دست می‌آید که چیزی و موردی‌اند. آدمیان قادر نیستند محسوسات را به صورت مجرد از هیولا تخیل کنند. پس ناگزیر قوه دیگری وجود دارد که با آن بتوانیم به درک معنای کلی و ماهیت دست یابیم و این، همان قوه ناطقه است.

این رشد با تقسیم قوه ناطقه به قوه عملی و قوه نظری (عقل نظری و عقل عملی)؛ نشان می‌دهد که این تقسیم‌بندی به دلیل آن است که عقل، هم مسایل مربوط به عمل را درمی‌یابد و هم مسایلی را که مربوط به عمل نیست. از نظر وی، انسان‌ها به عقل عملی نیاز دارند و این عقل در تمامی افراد انسانی وجود دارد؛ با این تفاوت که میزان آن در برخی بیشتر و در عده دیگری کمتر است. عقل نظری اما، از منظر وی متعالی و الهی است. چنان‌که آمده است:

اما قوه دوم (عقل نظری) امری است الهی و در پاره‌یی از مردم یافت می‌شود. یعنی در آن‌هایی که مورد عنایت خاص بوده‌اند. با این بیان، این رشد عقل نظری را موهوبی و از آن خواص می‌داند، در حالی که عقل عملی را

عمومی دانسته و همه‌گان را با تفاوت کمی در آن شریک می‌بیند. اختصاصی بودن و موهوبی دانستن عقل نظری به معنای آن است که این رشد اهمیت بسیاری به عقل نظری قایل است و چنین اهمیت‌دانی، او را در خط فیلسوفان عقل‌گرا قرار می‌دهد. از وی چنین آمده است: او (ابن رشد) برای صور هیولانی، یعنی معانی شخصیه، چهار وجه تمایز ذکر می‌کند: نخست آن‌که وجود صور هیولانی تابع دگرگونی در ذات است. دیگر آن‌که صور هیولانی به تعدد و تکثر موضوع، متعدد و متکثر می‌شود. سوم آن‌که این معانی شخصیه (صور هیولانی) مرکب است از دو چیز، یکی آن‌که برای آن‌ها به منزله صورت است و یکی آن‌که به منزله ماده. چهارم آن‌که آن‌چه بدین گونه تعقل می‌شود و به تصور درمی‌آید، غیر از آن چیزی است که در خارج موجود است.

منظور این رشد از دگرگونی در ذات، ظاهراً دگرگونی در ذات اشیاء است نه دگرگونی در ذات فاعل شناسنده؛ کما این‌که دگرگونی در ذات اشیاء، صور هیولانی یا معانی شخصیه را نیز دگرگون می‌سازد و تصور اشیاء تابع دگرگونی‌هایی است که در ذات آن‌ها در خارج روی می‌دهد. نگرش ذات‌باورانه این رشد با درک تناظر صور هیولانی و اشیاء، صورت‌های ذهنی پدیده‌ها را ناشی از وجود خارجی آن‌ها می‌بیند. با این بیان، با دگرگونی اشیاء در خارج، صورت‌های برآمده از آن در ذهن نیز دگرگونه می‌شود.

این رشد معقولات را برخلاف صور هیولانی می‌داند که ویژه‌گی‌های منحصر به فردی دارند. او این ویژه‌گی‌ها را چنین برمی‌شمارد: ... و اما صور معقولات را چند خصوصیت است: یکی آن‌که وجود معقول آن عین وجود آن است. [...] امتیاز دیگر معقولات آن است که ادراک آن‌ها غیرمتناهی است؛ زیرا این ادراک، تجرید صور است از کثرت محدود حاصل شده و چون چنین است، این معنی مجرد را می‌توان بر کثرت غیرمتناهیه حمل نمود. بنابراین، این فعل (یعنی حمل صور معقولات بر کثرت) را

نمی‌توان از جمله قوای هیولانیه دانست، بلکه مربوط به قوه غیرهیولانیه است و از این رو، ادراک و مدرک یکی هستند و عقل ذات خویش را تعقل می‌کند. این درحالی‌ست که حس دارای چنین شأنی نیست و به همین جهت است که عقل در مرحله شیخوخت زیاد می‌گردد و سایر قوای بدن به سستی می‌گراید.

ظاهراً این رشد برای معقولات دو ویژه‌گی مهم قایل است؛ یکی عینیت آن با واقع، و دیگری قابلیت حمل آن بر کثرت نامتناهی. روی این گفته، صور هیولانی نه عین واقع‌اند و نه هم می‌توان آن‌ها را که جزئی و موردی‌اند، بر کثرات نامتناهی حمل کرد.

نکته قابل اهمیت دیگر در اندیشه ابن رشد این است که کلیات نسبت روشنی با قوه حواس و متخیله دارد و اساساً کلیات مبتنی بر جزئیات است و معقولات از طریق حس و تخیل به دست می‌آیند. او میان حس و عقل، یک وجه افتراق می‌بیند و آن این‌که، موضوع حس در خارج از نفس است، در حالی که موضوع عقل پس از تجرید از محسوس، در نفس آدمی قرار می‌گیرد. این رشد همچون اسلاف خودش از عقل فعال و منفعل، و نیز چگونگی تأثیر عقل فعال بر عقل منفعل و نتایجی که از آن بین عقول حاصل می‌شود و اعتباراتی که بدان تعلق دارد، سخن گفته است. دیدگاه ابن رشد دایر بر اتصال عقل منفعل با عقل فعال با نظریه پیشینیان او شباهت زیادی دارد، اما نحوه این اتصال را به گونه‌یی که این رشد توضیح داده، مبتکرانه است. همان‌گونه که آمده است:

این اتصال به دو طریق میسر است: طریق صعود و طریق هبوطی. طریق صعودی به این ترتیب است که از محسوسات آغاز شده به صور هیولانیه و سپس به صور خیالی و آنگاه به صور معقوله می‌رسد و هنگامی که این معقولات در عقل آدمی آید، این را اتصال خوانده‌اند، یعنی اتصال عقل هیولانی با صور معقوله‌یی که فعل محض است. این طریق

برای هر انسانی میسر است. طریق هبوطی نازل آن است که وجود صور معقوله را فرض کنیم که به ما اتصال یابند، آنگاه به اکتساب آن‌ها پردازیم. این خود موهبتی الهی است که برای هر انسانی فراهم نمی‌شود، بلکه جمعی از افراد «سعید» ممکن است بدان موهبت دست یابند. و این تفسیر آن چیزی است که قبلاً گفته و قوه نظریه را مؤکداً الهی خوانده است [...] این رشد طریق دوم را منکر است و بعد از فحص و تأمل طریق اول را اختیار کرده است. با این بیان، این رشد نوعیت اتصال عقل منفعل با عقل فعال را در دو قوس صعودی و هبوطی توضیح می‌دهد و با تدریجی دانستن اتصال صعودی، آن را در حیطه توانایی بشر نمی‌بیند که گام به گام به دست می‌آید؛ اما اتصال هبوطی شأنت دیگری دارد و بیشتر موهوبی و غیراکتسابی شمرده می‌شود.

نتیجه‌گیری

روی موارد پیش گفته، فیلسوفان مسلمان توجه درخشانی به مسأله شناخت که عمده‌ترین محور فلسفه را تشکیل می‌دهد، به خرج داده‌اند. تفکیک میان قلمرو عقل و حس، بیان درجات عقل، عقلی، واکاوی چگونگی رابطه میان حس و عقل و واقع را می‌توان عمده‌ترین مسایل مورد نظر فلسفه اسلام دانست. فیلسوفان اسلامی با تأثیرپذیری از ارسطو و افلاطون، سهم به‌سزایی به شناخت‌های عقلی قایل‌اند؛ این مسأله را به‌سادگی می‌توان از خلال نظریات آن‌ها بیرون کشید.

کتاب‌نامه

-
- تاریخ فلسفه در جهان اسلام، ص ۶۷۵
- تاریخ فلسفه در جهان اسلام، ص ۶۷۵
- تاریخ فلسفه اسلامی در جهان اسلام، ص ۶۷۶
- همان اثر ۶۷۷
- تلخیص کتاب النفس، ص ۶۹، چاپ اهوانی، ۱۹۵۰ (مصر: قاهره - چاپ اهوانی)
- تاریخ فلسفه در جهان اسلام، ۶۷۸
- تاریخ فلسفه در جهان اسلام، ص ۶۷۸
- تاریخ فلسفه در جهان اسلام، ص ۶۸۵

ماجرای شناخت در فلسفه اسلامی





حیف و میل کمک‌های آواره‌گان در کندهار

مسئولان اداره مبارزه با رویدادهای طبیعی کندهار می‌گویند، شماری از افراد مسلح و بزرگان قومی در این ولایت می‌خواهند با استفاده از فهرست‌های جعلی، کمک‌ها به بی‌جاشده‌گان را به جیب بزنند. مسعود پشتون، رییس اداره مبارزه با حوادث طبیعی کندهار به سلام‌وطندار می‌گوید، شماری از افراد مسلح و بزرگان قومی در شهر و سایر مناطق کندهار فهرست‌های جعلی را نزد او می‌آورند. به گفته آقای پشتون، پس از آن که او فهرست‌های جعلی این افراد را رد کرده، این زورمندان مانع ورود گروه بررسی‌کننده به مناطق‌شان شده‌اند.

اما صمیم خیلواک، سخنگوی والی کندهار این گفته‌ها را رد می‌کند و می‌گوید، نیروهای محلی محافظ کارمندان دولتی و تمام شهروندان اند. به گفته آقای خیلواک، گروه‌های مسلح غیرمسئول در این ولایت توان ممانعت از کار اداره‌های دولتی را ندارند. بی‌جاشده‌گان نیز از اداره‌های امدادرسان می‌خواهند که در روند کمک‌رسانی دقت کنند تا حق آواره‌گان حیف و میل نشود. در حال حاضر نزدیک به ۸۰۰۰ خانواده به علت جنگ و ناامنی در برخی از ولایت‌های همجوار کندهار به این ولایت آواره شده‌اند که به کمک‌های فوری نیاز دارند.

تیم ۵۰۰ نفره از گلبدین حکمتیار محافظت خواهد کرد

محافظان گلبدین حکمتیار رهبر حزب اسلامی در کمپ شمشتو در پاکستان آموزش می‌بینند. این در حالی است که حزب اسلامی ضمن رد این گزارش‌ها از آموزش محافظان رهبر این حزب در افغانستان خبر می‌دهند. حشمت الله ارشد سخنگوی حزب اسلامی حکمتیار، در واکنش به این گزارش‌ها اعلام کرد که محافظان رهبر حزب اسلامی را افراد نزدیک به وی تشکیل می‌دهند و این روند در حال تکمیل شدن است. وی به رادیو آزادی گفت: مجاهدینی که همراه حکمتیار هستند، از تجربه کافی برخوردارند و یک عده از افراد که مسوولیت امنیت رهبر حزب اسلامی را در زمان جهاد به عهده داشتند، به دفاتر

این حزب مراجعه کردند تا تحت آموزش ارگان‌های امنیتی دولت قرار بگیرند. ارشد همچنین تأخیر در آشکار شدن حکمتیار در کابل را عدم تشکیل محافظان رهبر این حزب و آزاد نشدن تعدادی از زندانیان حزب اسلامی می‌کند. چندی قبل، محمد امین کریم نماینده حزب اسلامی حکمتیار در کمیته مشترک اجرای توافقنامه صلح دولت کابل و این حزب، گفته بود که اولین گروه زندانیان حزب اسلامی در آینده نزدیک از زندان‌های افغانستان آزاد خواهد شد. اما پس از آن، حشمت الله ارشد اعلام کرد که حکومت افغانستان تاکنون یک زندانی سیاسی این حزب را هم از زندان آزاد نکرده است.



نماینده اتحادیه اروپا:

نظام به شدت متمرکز افغانستان عوض شود



فرستاده ویژه اتحادیه اروپا به افغانستان اعلام کرد که این کشور برای تقویت هرچه بیشتر، نیازمند تمرکز زدایی در قدرت است. فرانتز مایکل میلیین فرستاده ویژه اتحادیه اروپا در گفت‌وگو با «تلویزیون یک» اظهارداشت که ساختار نظام سیاسی افغانستان در حال حاضر "به شدت متمرکز" است و باعث "حکومت‌داری ضعیف" می‌شود. دیپلمات ارشد اتحادیه اروپا در افغانستان تأکید کرد که برای تحقق دموکراسی محلی نیرومند، نیاز واقعی وجود دارد و باید تلاش‌هایی در این راستا صورت گیرد. این اظهارات در حالی مطرح شد که حمدالله محب سفیر افغانستان در آمریکا در توئیتر خود نوشت: مناسب نیست به مسائل داخلی کشور میزبان خود مداخله کنید. سفیر افغانستان در واشنگتن از میلیین خواسته تا اظهارات خود را تصحیح کند. حامد کرزی رییس جمهوری سابق و همچنین اشرف غنی رییس جمهوری فعلی از تمرکز قدرت و دولت واحد نیرومند و متمرکز حمایت می‌کنند. برخی از جناح‌های نیرومند سیاسی مانند احزاب جمعیت اسلامی، جنبش ملی اسلامی

و برخی از شاخه‌های اصلی حزب وحدت اسلامی از تمرکززدایی، نظام پارلمانی و افزایش قدرت نهادهای محلی دولت حمایت می‌کنند. یکی از موارد توافق در تشکیل حکومت وحدت ملی بین اشرف غنی و عبدالله عبدالله، تغییر نظام از ریاستی متمرکز به پارلمانی غیرمتمرکز بود.

براساس این توافقنامه، قرار بود در سال جاری لویه جرگه برگزار شود که در آن با تغییر قانون اساسی راه برای تغییر نظام فراهم شود، اما با عدم برگزاری انتخابات پارلمانی و شوراهای محلی این بند توافقنامه تاکنون به اجرا در نیامده است.

زاخبلوال:

له پاکستان سره د اړیکو ښه کېدو هڅو ته دوام ورکوي



په پاکستان کې د افغانستان سفير وايي، تر هغو له پاکستان سره د اړیکو د ښه کېدو هڅو ته دوام ورکوي چې د دواړو هېوادونو ترمنځ اختلافات پای ته رسېږي. حضرت عمر زاخبلوال له ازادې راديو سره په خبرو کې وويل چې د پاکستان انزوا د افغانستان په ګټه نه ده بلکې هغه هېواد بايد داسې لارې ته وهڅول شي چې د افغانستان د سولې ملاتړ وکړي.

نوموړي که څه هم له پاکستاني چارواکو سره د خبرو کومه ځانګړې مثبته نتيجه نه ده اخیستې، خو وايي، دا په دې معنی نه ده چې د دواړو هېوادونو د اړیکو د ښه کولو هڅې ودرول شي.

زاخبلوال وايي، په همدې هدف يې د پاکستان پر لور پورې چارواکو سر بېره د ځينو عمده ګوندونو له مشرانو سره کتلي او دا لړۍ به جاري وساتي.

"دلته هغه مطرح ګوندونه چې دې مثلاً اسلامي ګوندونه لکه د سميع الحق، مولانا فضل الرحمن ګوند، د جماعت اسلامي سراج الحق، دې له ټولو سره ناستې ولاړې لرو، په قبایلي سيمو کې له مشرانو سره ګورو د عوامي نیشنل پارټي، د پښتونخوا پارټي، شېرپا صاحب او نورو داسې مشرانو سره ګورو، بحثونه ورسره لرو، مشورې لرو او دوی هڅو."

زاخبلوال وايي، د دوی هڅه تر ډېره دا ده چې پاکستان وهڅوي چې خپلې اندېښنې او اختلافات افغانستان ته ښکاره ووايي، خو د کابل اداره يې په اړه غور وکړي.

ويل کېږي د پاکستان له لويو اندېښنو څخه يوه يې له هند سره د افغانستان اړیکې دي او دا چې کېدای شي هند د افغانستان له خاورې څخه د پاکستان پر ضد استفاده وکړي.

پوښتنه دا ده چې که پاکستان له افغانستان څخه د همدې اندېښنې له منځه وړلو غوښتنه وکړي د کابل ځواب به څه وي؟

په ځواب کې حضرت عمر زاخبلوال ازادې راديو ته وويل چې افغانستان د يوه خپلواک هېواد په توګه له هېڅ چا سره په اړیکو کې بدلون نشي راوستلی، خو وايي، پاکستان ته دا ډاډ ورکولی شي چې هېڅ کله به د افغانستان خاوره د بل هېواد پر ضد ونه کارول شي.

د ښاغلي زاخبلوال په خبره چې وايي، ښې اړیکې د دواړو هېوادونو مجبوري او ضرورت دي، خو دې وايي، د اړیکو د ښه کېدو لپاره تر پاکستان افغانستان لا ډېره هڅه کړې ده خو د سولې فضا رامنځته کړي.

ويل کېږي دا چې پاکستان د ترورېزم په وړاندې جدي مبارزه نه ده کړې، پر دې خبره د نړۍ ډېری هېوادونه په يوه خوله دي. سياسي تحليلگران دې ته د پاکستان لپاره د سياسي انزوا په سترګه ګوري او وايي، افغانستان له دې څخه ښه ګټه پورته کولی شي.

دا چې له پاکستان سره د افغانستان لخوا د اړیکو د ښه کولو پرله پسې هڅې به دغه انزوا له منځه یوسي او څومره به افغانستان دغه فرصت له لاسه ورکړي، ښاغلی زاخبلوال داسې ځواب ورکوي:

"د افغانستان پالیسي د پاکستان انزوا نه ده، که انګېرئ دا وي چې افغانستان د پاکستان د منزوي کېدو هڅه کوي دا د افغانستان په ګټه نه ده، د افغانستان پالیسي مثبتو او تر پخوا متفاوتو لارو ته د پاکستان هڅول دي او هغه لار چې د افغانستان د سولې ملاتړی اوسي، نو هر هغه هېواد او هره هغه غونډه چې د پاکستان لپاره تشويقي اوسي او د افغانستان د ثبات لپاره وي د افغانستان ملاتړ ورسره دی."

په پاکستان کې د افغانستان سفير داسې مهال د دغو ناستو خبره کوي چې تېره اوونۍ د افغانستان لپاره د بریتانیا سفير دمینیګ جرمي هم پاکستان ته سفر وکړ او د کابل او اسلام اباد ترمنځ اړیکو د ښه کېدو په هدف يې د پاکستان د صدراعظم نواز شريف په ګډون يې د هغه هېواد له نورو لوړ پوړو پوځي چارواکو سره کتلي دي.

ایا بریتانیه کولای شي د کابل او اسلام اباد اړیکې سمې کړي؟ دغه بریتانوي ډیپلوماټ هیله وښوده چې د امریکا نوې اداره هم د افغانستان او پاکستان ترمنځ د اعتماد جوړولو برخې ته توجه وکړي.

افغان چارواکو په وار وار د پاکستان پر سیاستونو انتقاد کړی او دا يې ویلي چې پاکستان د افغانستان د سولې پروسه کې رښتیني همکاري نه کوي.

دغه راز افغان حکومت پاکستان په دې تورنوي چې په افغانستان کې څو وروستی خونړۍ حملې په هغه هېواد کې پلان شوي وي، خو پاکستان دا تورونه ردوي.

فیسبوک نامه

برنا صالحی



مدیریت که نمیتوانید، کنارگیری کنید! پُخپل سوری در وزارت داخله افغانستان بیداد می کند، هرچند قصانه ملک ما به همان قصه کوهان شتر می ماند که گفته بودند کج است، شتر بیچاره گفته بود، کجایم راست است که کوهانم راست باشد.

تقریباً دو سال می شود که نسبت مسأله ای به وزارت داخله رفت و آمد دارم، (حالا بحث قانونیت و عدم قانونیت مسأله سرجایش باشد) چیزی را که نیافتیم، احترام به قانون و احترام به سلسله مراتب اداری است، هررییس این وزارت، وزیر خود است، هرکه دلش خواست، کاری را انجام می دهد، نخواست، ده حکم وزیر هم که موجود باشد، کار به جایی نمی رسد. از کسی پرسیدم که چرا در این وزارت وضعیت این گونه است؟ گفت که وزیر در تقرر روسا نقشی ندارد، پس رییس ها هم حکم وزیر را به چیزی نمی خرنند و بسیاری از رییس ها مستقیماً از شورای امنیت هدایت می گیرند.

عین پرسش را از دوست دیگری که صاحب منصب و مقام خوبی هم هست، داشتم. ایشان به صورت معنی داری گفتند که «این رییس رابطه مستقیم با نفر اول مملکت دارد که چندان بندوباز وزیر هم نیست». این را مقدمتاً عرض کردم، چون شب گذشته مسوولان مبارزه با مواد مخدر این وزارت در صحبت با رسانه ها از دست آوردهای خویش می گفتند و من تعجب می کردم که «واقعاً شنیدن کی بود مانند دیدن».

چه کسانی گرفتار می شوند و چه کسانی در غیاب قانون بی پرسان رها می گردند و چه پول های سنگین و گزافی که زیر این عنوان دست به دست می شود. اگر اندکی قانونیت هم در جایی مدنظر گرفته می شود، نه به اساس احساس مسولیت وطنی، بلکه از ترس نظارت خارجی هایی است که قانون مبارزه با مواد مخدر را مطابق خواست و سلیقه مافیای بازی های بین المللی خود ساخته اند.

خیر، کار این ملک همه اش این گونه است و در چنین فضای «پخپل سر» تعجب می کنم به جسارت کسانی که هنوز خود را وزیر و مقام می شمارند و در واکنش به این وضعیت لب از لب نمی گشایند! تفکر بلند ملی و مقصد صادقانه خدمت گذاری که نباشد، چند نفر بادیگارد با چند عراده موتر و عنوان یک وظیفه دولتی غنیمت کلانی است که نباید از دستش داد.

محمد اکرام اندیشمند



میدان سیاست در افغانستان، به «بُزکشی» عمومی با مشارکت تمام سوارکاران حاضر در این میدان شباهت دارد. بُزکشی ای که نه میان دو تیم معدود، بلکه میان تمام سوارکاران انجام می شود. هر سوارکار با مهارت توام با خشونت، تلاش می ورزد تا «بُز» را تصاحب کند و به «دایره حلال» برساند. در این مسابقه همه گانی خشونت بار، سوارکاران یا سوارکاری بُز را می توانند به دایره حلال برسانند که مهارت و خشونت بیشتر انجام دهند و حمایت شماری از سوارکاران دیگر را در چهار طرف خود داشته باشند: سوارکار یا سوارکارانی لگام اسپش را بگیرند و او را به سوی دایره حلال ببرند، جمعی از عقب، اسپش را قهچین بزنند تا سریع تر بدود و تعداد دیگر به دو کنار اسپش با همان سرعت و مهارت او را همراهی کنند تا سوارکاران دیگر به او نزدیک نشوند و بُز را از او نستانند. در بزکشی سیاسی افغانستان، سوارکاران همکار و کمک دهنده که اسپس سوارکار صاحب بُز را قهچین می زنند و لگامش را به دست می گیرند، همان خارجی های تمویل کننده و هزینه پرداز است تا سوارکار مورد نظر و حمایت آن ها، بُز را به «دایره حلال» برساند.

کشور
جهان نا

نخست وزیر کانادا: حمله به مسجد کبک

اقدامی تروریستی علیه مسلمانان است

نخست وزیر کانادا با اشاره به حادثه تیراندازی در مسجد کبک این کشور که تاکنون ۶ کشته و هشت زخمی به دنبال داشته است، این حرکت را اقدامی تروریستی علیه مسلمانان دانست.

جاستین ترودو، در واکنش به این واقعه، در حساب توئیتری خود نوشت: «کانادایی ها سوگوار قربانیان حمله ناجوان مردانه مسجد کبک هستند. یاد قربانیان و خانواده های آنان همراه من است.» نخست وزیر کانادا در واکنش به فرمان بحث برانگیز رییس جمهور امریکا مبنی بر ممنوعیت ورود اتباع هفت کشور اغلب مسلمان به خاک امریکا، با بیان این که درهای کشورش به روی مهاجران باز است، گفت: به آنانی که از ظلم و تروریسم و جنگ فرار کردند می گویم که مردم کانادا صرف نظر از عقیده و دین تان به شما خوش آمد می گویند.

در این حمله، ۶ کشته و هشت زخمی را آخرین آمار به دست آمده از قربانیان حادثه تروریستی یکشنبه شب مسجدی در کبک کانادا اعلام کرد.

در تشریح این حادثه تروریستی به نقل از شاهدان عینی که در تلویزیون کانادا مصاحبه می کردند، نوشت: دو مرد نقاب دار ساعت ۷:۱۵ به وقت کانادا در «مرکز فرهنگی اسلامی کبک» به روی نمازگزاران تیراندازی کردند.

رییس مرکز فرهنگی اسلامی نیز پیشتر اعلام کرده بود، که براساس شنیده ها، این حادثه پنج کشته داشت. سخنگوی پولیس کبک نیز در یک برنامه تلویزیونی بدون اشاره به تعداد قربانیان، از وجود کشته شده گان در این واقعه خبر داده است.

پس از وقوع این حادثه تروریستی، پولیس کبک به سرعت در محل حاضر شد و یک عملیات گسترده پولیسی آغاز کرد. تاکنون دو مظنون در حال فرار در چند کیلومتری کبک دستگیر شده است. بسیاری از کارشناسان معتقداند که سیاست های دونالد ترامپ رییس جمهور امریکا به ویژه در حوزه پذیرش مهاجران، موجب افزایش بی سابقه خشونت، تبعیض نژادی و اسلام ستیزی در جهان شده است.

دستور دولت ترامپ به ارتش امریکا

پایگاه اینترنتی گلوبال ریسرچ نوشته است که رییس جمهور امریکا به ارتش این کشور دستور داده تا برای یک جنگ جهانی آماده شود.

به نقل از پایگاه اینترنتی گلوبال ریسرچ، دونالد ترامپ، رییس جمهور امریکا در دیدار اخیر خود با مقامات وزارت جنگ این کشور (پنتاگون) به ارتش امریکا دستور داد، تا برای یک جنگ جهانی آماده شود.

ترامپ روز جمعه گذشته هنگامی که از پنتاگون بازدید می کرد، در فرمانی اجرایی از ارتش خواست تا با بازسازی گسترده، وسیع و گسترش نیروها، شامل زرادخانه اتمی علیه روسیه و چین آماده شود.

ترامپ، در حال امضای اسناد گفت: «من فرمانی اجرایی را امضا می کنم، که براساس آن نیروهای مسلح ایالات متحده امریکا در سطحی وسیع بازسازی شود.»

ترامپ، در ادامه که فرمان دوم مبنی بر تعلیق مهاجرت شهروندان برخی از کشورها به امریکا را امضا می کرد، گفت: «از ایالات متحده در برابر حملات تروریستی کشورهای خارجی محافظت کنید.»

فرمان نظامی خطاب به «جیمز ماتیس» وزیر دفاع این کشور بود، که برای از ریشه کن کردن داعش باید اقدام کند و خط قرمزها را در مدت ۳۰ روز بازمینی کند.

ماتیس، باید نتایج بررسی خود در خصوص چگونه گی مقابله با روسیه و چین را در قالب گزارشی به ترامپ ارائه کند.

فرمان دیگر ترامپ، مبنی بر افزایش بودجه نظامی امریکا در سال جاری میلادی و سال ۲۰۱۸ است که به اساس آن امنیت امریکا تقویت شود.

فرمان ترامپ تنها سه صفحه است، که به شکل طرحی برای جنگ جهانی دیده می شود.

بخش سوم این فرمان تهدید به استفاده از سلاح اتمی تا سال ۲۰۲۲ را در خود دارد. این فرمان شامل مدرن سازی سلاح های اتمی و سیستم دفاع ضد موشکی امریکا نیز می شود. بخش دیگری از این فرمان بر بهینه سازی ابزارهای جنگ سایبری تأکید دارد.

این اقدام ترامپ، در ادامه سیاست دولت اوباما مبنی بر گسترش زرادخانه اتمی امریکا به میزان یک تریلیون (هزار میلیارد) دلاری است.



قضاوت های اشتباه داوران در فصل جاری علیه بارسلونا



قضاوت های بحث برانگیز داوران در اسپانیا در فصل جاری به ضرر بارسلونا تمام شده است و شاید به قیمت از دست رفتن عنوان قهرمانی برای این تیم تمام شود. بارسلونا و رئال بتیس نخستین دیدار هفته بیستم در روز یکشنبه را برگزار کردند. رئال بتیس میزبان، بازی خیلی خوبی را برابر آبی اناری ها انجام داد و برتر از مهمانش بود. بتیس گل نخست بازی را به ثمر رساند اما در دقیقه ۹۰، لوییس سوارس بازی را مساوی کرد.

میزبان یکی از توپ هایش با تیرک دروازه برخورد کرد و می توانست پیروز این میدان باشد ولی اشتباه مدافع بتیس اجازه نداد این اتفاق بیفتد. با این حال تساوی بارسلونا کمتر از صحنه جنجالی این بازی به چشم آمد. در این بازی زمانی که بارسلونا یک بر صفر از حریفش عقب بود، به گل دست یافت اما داور آن را نپذیرفت. ماندی، بازیکن بتیس زمانی توپ را از دروازه خارج کرد که توپ نزدیک به یک متر از خط عبور کرده بود اما نه داور آن را دید و نه کمک داور متوجه این گل شد. پیش از این اتفاق، روی نیمار نیز خطا شده بود اما داور این صحنه را نیز خطا ندانست.

رسانه های اسپانیایی به این موضوع پرداختند و مطبوعات کاتالانی آن را یک رسوایی اعلام کردند. پس از بازی از لوییس انریکه در این باره پرسیده شد که سرمربی بارسلونا در واکنش گفت: عکسی را در ارتباط با این صحنه دیدم. داوران نیاز به کمک دارند. شاید تکنولوژی بتواند به آن ها کمک کند.

لالیگا در میان لیگ های برتر اروپایی، تنها لیگی است که از تکنولوژی خط دروازه بهره نمی برد. این موضوع باعث شده است چنین اشتباهات آشکاری اتفاق بیفتد. به نظر می رسد لالیگا با ادامه یافتن چنین اشتباهاتی برای استفاده از تکنولوژی عبور توپ از خط دروازه در فصل آینده برنامه ریزی کند.

البته اشتباه های داوران در اسپانیا تنها در این هفته دیده نشده است. این اشتباه ها از ابتدای فصل وجود داشتند که گاهی اوقات جنجال برانگیز شدند. هفته گذشته یکی از گل های مادرید در موقعیت آفساید به ثمر رسید. همچنین در دیدار اوساسونا و سویا قضاوت های بحث برانگیز با پیروزی سویا به پایان رسید. اعتراض بازیکنان اوساسونا تا چند روز ادامه داشت اما چیزی تغییر نکرد و اشتباه های داوران در این هفته نیز دیده شد.

برخلاف فصل های گذشته، اکثر قضاوت های ناعادلانه در این فصل به ضرر بارسلونا و به نفع مادرید است و اکنون سفید پوشان با اختلاف چهار امتیازی و یک بازی کمتر صدرنشین هستند. آبی اناری ها در بازی های گذشته به شدت نسبت به چنین داور هایی اعتراض می کردند. اظهارات و حرکت های جنجالی جرارد پیکه، مدافع بارسلونا سر و صدای زیادی به پا کرد. او در چند بازی بازی پیاپی به اعتراض هایش ادامه داد اما به یکباره سکوت کرد.

دیروز نیز با وجود آشکار بودن گل، پیکه سکوت کرد و تنها نیمار در توئیتر به آن واکنش نشان داد. مهاجم برزیلی در توئیترش صحنه گل مردود را به اشتراک گذاشت و نوشت: ها ها ها. او حتی به خطایی که در محوطه جریمه اعلام شد و داور آن را ندید، اشاره کرد. همچنین زمانی که از لوییس سوارس در این باره پس از بازی سوال شد، مهاجم اروگوئه ای تنها گفت: توپ یک متر از خط عبور کرده بود. داوران هم ممکن است اشتباه کنند.

Mandegar

چمن حضوری کابل

محل تجمع قماربازان و معتادین شده است



تمرین ورزشکاران و نداشتن آب و برق کافی، آنها نتوانستند از این چمن محافظت نمایند.

وی همچنان افزود: "وقتی چمن حضوری برای ما تسلیم داده شد، ۱۵ نفر بودیم که از این چمن محافظت کنیم، مگر حالا دو نفر باقی ماندیم، که نمی توانیم از این چمن محافظت کنیم."

به گفته این محافظ چمن حضوری آنها بخاطر ممانعت از دزدیدن دروازه و پنجره های این چمن هرشب با معتادین درگیر می شوند و توانای برخورد با بعضی این معتادین را هم ندارند.

وی از دولت می خواهد که بجای ساختن این همه شهرک توجهی به این مکان ورزشی کند و دوباره این چمن را بازسازی کرده و امکانات درست برای آنها بخاطر محافظت چمن حضوری فراهم سازد.

از سوی دیگر، معتادین چمن حضوری سبب نگرانی جدی باشندگان شده اند، که در نزدیکی چمن حضوری زندگی و یا کار می کنند. این معتادین عملاً روز و شب دست به دزدی و راهگیری زده و ساکنین محل حتی نمی توانند به آسانی گشت و گذار نمایند.

ذکریا یکتن از باشندگان که در نزدیکی چمن حضوری (محل تجمع معتادین) زندگی می کند، در صحبت به روزنامه ماندگار گفت: "با جا گرفتن معتادین و قماربازان در چمن حضوری دزدی ها نیز در این محل افزایش پیدا کرده است، زیرا معتادین پول مواد مخدر خود را از طریق دزدی بدست می آورند."

وی همچنان افزود: "اینها صبح و و ناوقت شام با چاقوی در دست داشته خود مردم عادی را تهدید کرده و پول آنها را به زور می گیرند."

به گفته وی مردم عادی حتی در روز با ترس و دلهره از این محل می گذرند و گاهی هم مورد حمله دسته جمعی معتادین قرار می گیرند، اما مسولین امنیتی مسولین امنیتی در این زمینه تا حال هیچ توجهی نکرده اند.

اما محمد داود پکتیاوال آمرحوزه هشتم امنیتی، در مورد تجمع قماربازان و معتادین مواد مخدر در چمن حضوری کابل به روزنامه ماندگار گفت که آنها توانسته اند تا به کمک وزارت صحت عامه تعداد زیادی از این معتادین را از چمن حضوری کابل خارج ساخته و به شفاخانه‌ها انتقال دهند و همچنان چند بار چمن حضوری را از وجود قماربازان کاملاً پاک سازی کنند.

آقای پکتیاوال علاوه کرد، که بخاطر نبود مراکز درمانی بیشتر برای تداوم معتادین آنها نمی توانند همه آنها را خارج کنند، لذا از وزارت صحت عامه توقع می رود تا برای آنها مراکز درمانی بیشتر بسازند، تا آنها بتوانند این ساحه را از وجود معتادین خارج کرده و آنها را به مراکز درمانی انتقال دهند.

به گفته آقای پکتیاوال، پولیس حوزه هشتم در این زمینه غافل نبوده و همه توانای خود را در به خرج می دهد تا قماربازان و معتادین را از این ساحه خارج سازد.

از مسولین دولتی در زمینه بیان داشت: "ما از دولت هیچ امیدی نداریم، چون اگر واقعا این دولت به این مکان ورزشی توجهی می داشت از این چمن درست نگهداری میکرد و نمی گذاشت به مکان تجمع معتادین و قماربازان مبدل شود."

اما احمد شاه اوریا خیل معاون فنی سرسبزی کابل در مصاحبه با روزنامه ماندگار گفت: "چمن حضوری پس از بازسازی توسط بنیاد عزیززی به هزینه دو میلیون دالر، طی یک قرار داد رسمی از طرف شهرداری کابل به مدت ۲۰ سال به کمیته المپیک واگذار شد، اما پس از گذشت یک سال کمیته المپیک دوباره چمن تخریب شده را به شهرداری کابل تحویل داد."

به گفته آقای اوریا خیل شهرداری کابل توانایی دوباره بازسازی و مراقبت این چمن را ندارد؛ لذا شهرداری کابل مصمم است، بخاطر دوباره سازی و مراقبت این چمن آنرا به یکی از سکتور های خصوصی بسپارد.

در همین حال، سردار میر یکتن از محافظین و باغبان های چمن حضوری کابل در صحبت با روزنامه ماندگار میگوید، که این چمن هفت سال پیش توسط بنیاد عزیززی بازسازی شد؛ اما بر اثر نبود تقسیم اوقات مشخص ورزشی برای

وی افزود: "قبلاً ورزشکاران زیادی در این چمن مصروف بازی های مختلف بودند؛ اما حالا به خاطر ترس از دزدی شدن لوازم شان توسط پودری ها و قماربازان به این مکان نمی آیند."

وی از دولت می خواهد تا معتادین را از چمن حضوری خارج ساخته و این مکان ورزشی را دوباره بازسازی کند.

عبدالمعروف محمدی یکتن دیگر از ورزشکاران، که در حال بازی فوتبال بود در صحبت به روزنامه ماندگار، از سرسبز نبودن و مزاحمت معتادین در این چمن شکایت کرده گفت: "ما بر علاوه خاک در این چمن، به مشکل اساسی که مواجه هستیم، قماربازان و معتادین مواد مخدر اند، مشکل خاک را می توانیم حل کنیم، اما مشکل آب و هوای آلوده که معتادین در این چمن بو جود میاورند چه کنیم؟ معتادین و قماربازان در جای که ما در آن ورزش میکنیم را کثیف می کنند و ما مجبوریم که هفته دوبار آنرا پاک کنیم."

وی افزود: "مسولین نیز در این مورد هیچ توجهی نکرده اند و بجای اینکه با ما ورزشکاران کمک کند، از قماربازان و پودریان در بدل پول حمایت می کند و کسی حق ندارد به آنها چیزی بگوید." وی در ادامه صحبت های خود با انتقاد و نا امیدی

چمن حضوری کابل که یکی از بزرگترین اماکن ورزشی، تفریحی و تاریخی در کشور است، پس از بازسازی، دوباره به مخروبه یی برای تجمع قماربازان و معتادین مبدل شده است.

این درحالی ست که چمن حضوری کابل در ملکیت دولت بوده و در سال ۱۹۸۹ با هزینه هنگفت دو میلیون دالر در ۱۲۰ جریب زمین به کمک بنیاد عزیززی به توافق کمیته المپیک بازسازی و مورد بهره برداری قرار گرفت؛ اما به اثر بی توجهی مسولان در حفظ و نگهداشت آن، حالا این چمن علاوه بر نداشتن سبزه و از بین رفتن کتاره هایش به محل تجمع معتادین مواد مخدر مبدل شده است.

ورزشکارانی که پس از بازسازی چمن حضوری از امکانات درست آن استفاده می کردند، حالا می گویند که به جز از زمین خاکی، قماربازان و معتادین چیزی دیگری در این چمن بزرگ وجود ندارد.

عبیدالله یکتن از ورزشکاران در چمن حضوری ضمن نگرانی از مخروبه بودن چمن حضوری به روزنامه ماندگار گفت: "در چمن حضوری که یک ساحه ورزشی و تفریحی است، در این اواخر به خاطر عدم مراقبت درست آن، گروپ های مختلف همچون معتادین، قماربازان و دزدان جا گرفته اند."

